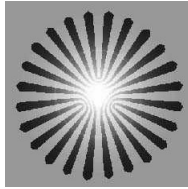


سلام افلا



دانشکده ادبیات و علوم انسانی
گروه زبان شناسی و زبان های خارجی

عنوان

تاثیر جنسیت بر زبان شعر پروین اعتصامی، فروغ فرخزاد و فاطمه
راکعی از نظر واژگان و معنا

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد
در رشته آموزش زبان فارسی

استاد راهنما

دکتر فاطمه راکعی

استاد مشاور

دکتر بهمن زندی

نگارش

فاطمه مزبان پور

خرداد ۱۳۸۹

آوای خوش هزار تقدیم تو باد سرسبز ترین بهار تقدیم تو باد
گویند که لحظه ای ست روییدن عشق این لحظه هزار بار تقدیم تو باد

تقدیم به

همسرم؛ به پاس مهری جاودانه که در لحظه های زندگی مان جاری ست

و

دخترانم؛ گل های کوچکی که با نسیم دل انگیز عشق شکوفه کرده اند.

سلسله ی موی دوست حلقه ی دام بلاست

هرکه در این حلقه نیست فارغ از این ماجراست

سپاس گذاری

شایسته می دانم؛

از استادان فرهیخته خانم دکتر فاطمه راکعی و آقای دکتر بهمن زندی به جهت رهنمودهای علمی و پژوهشی نهایت سپاس گذاری را داشته باشم. و از راهنمایی دوستان و اساتیدی چون شاعر گرانقدر محمد شمس لنگرودی، و استاد دکتر علی محمد حق شناس که گوشه ای از وقت گرانبهای خویش را در اختیارم قرار داده اند، نهایت تشکر و قدردانی را دارم. امیدوارم دلهای تان همیشه سبز و گام هایتان استوارتر باد.

متشکرم

چکیده

این رساله شعر را به عنوان روایتی از زبان در نظر می‌گیرد. و سعی دارد براساس نظریات فرمالیست های روس به تحلیل سطح واژگانی و معنایی شعر زنان شاعر (پروین اعتصامی، فروغ فرخزاد، دکتر فاطمه راکعی) پرداخته و سپس تأثیر متغیر جنسیت را در انتخاب واژگان و معنای شعر شاعران زن بررسی می‌کند. در **حوزه ی واژگان:** قدیمی، تابو، زنانه، و ترکیبات واژگانی جدید و در **حوزه ی معنا:** استعارات و کنایات را استخراج کرده و به تحلیل و بررسی آنها پرداختیم. نتایجی که از این رساله بدست آمد، نشان می‌دهد که:

در شعر پروین حضور واژگانی چون نخ، سوزن، تابه، مطبخ، دیگ، نخود، ماش... که در حوزه ی زندگی و دیدگاه زنانه معنا می‌یابند نشان زنانگی شعر پروین در حوزه ی واژگان است. در حوزه معنا، پروین اشعار مادرانه ی زیادی دارد پروین نقش مادری را مکمل یک زن می‌داند و این هم نشان از تأثیر زنانگی او در اشعارش است. / فروغ در حوزه ی واژگان، جنسیت گراست. بسامد بسیاری از واژگان فروغ واژگانی با بار جنسیتی اند. واژگانی چون زهدان، بکارت، بوسه، هم آغوشی، هوس... شعر او را از دیگر شاعران جدا می‌کند. و تأثیر جنسیت بر انتخاب واژگان او را ثابت می‌کند. فروغ اولین شاعری ست که تحلیل دوگانه ی زن – مرد را در شعر خود مطرح می‌کند او در شعر خود همان قطب زنانه ای ست که از تمناهای خود می‌گوید را به خوبی می‌بینیم. این توجه فروغ را به زنانگی خویش از بعد جنسی و عاطفی می‌رساند و تأثیر جنسیت در سطح معنایی اشعار او را به اثبات می‌رساند. / تأثیر جنسیت راکعی را در حوزه ی واژگان زنانه و نام های زنانه می‌توان دید که نگاه غیر مردانه ی او را به هستی نمایان می‌سازد. او از من زنانه ی خویش نمی‌گوید او به مقوله ی زن به معنای عام توجه دارد. زنانی با کاراکترهای متفاوت. وجه غالب اشعار او من مادرانه ی راکعی ست. او به این بُعد توسعه داده و در مقیاسی جهانی مادریت را مطرح می‌کند. در شعر راکعی مخاطب جهان زنانه را جهانی متعارف متکی بر سنت ها و کلیشه های زنانگی می‌بیند.

در این رساله تأثیر متغیر جنسیت بر اشعار شاعران زن (پروین اعتصامی، فروغ فرخزاد، فاطمه راکعی) بررسی و اثبات شد که جنسیت افراد علاوه بر زبان معیار، بر زبان ادبی نیز تأثیر دارد.

کلمات کلیدی: زبان زنانه – جنسیت – شعر – معنا – واژگان

فهرست

<u>شماره صفحه</u>	<u>عنوان</u>
۲	<u>فصل اول: کلیات</u>
۳	مقدمه
۴	۱- رویکرد توصیفی نسبت به زبان زنان
۵	۲- رویکرد تجویزی نسبت به زبان زنان
۹	تعریف مسأله و بیان سؤال های اصلی تحقیق
۹	فرضیه ها
۱۰	پیشینه تحقیق
۱۰	اهداف تحقیق
۱۰	کاربردهای تحقیق
۱۱	تعریف و توضیح کلید واژه ها
۱۴	<u>فصل دوم: چارچوب نظری + پیشینه تحقیق</u>
۱۵	زبان و نقش شعری آن
۱۵	۱- زبان چیست
۱۵	۲- نقش های زبان
۱۶	۱- ۲) نقش عاطفی
۱۶	۲- ۲) نقش ترغیبی
۱۶	۳- ۲) نقش ارجاعی

۱۶	۴ - ۲) نقش فرا زبانی
۱۷	۵ - ۲) نقش همدلی
۱۷	۶ - ۲) نقش ادبی یا شعری
۱۹	۳- برجسته سازی ادبی
۱۹	۴- هنجار گریزی
۲۰	۱ - ۴) هنجار گریزی واژگانی
۲۰	۲ - ۴) هنجار گریزی نحوی
۲۰	۳ - ۴) هنجار گریزی آوایی
۲۱	۴ - ۴) هنجار گریزی نوشتاری
۲۱	۵ - ۴) هنجار گریزی معنایی
۲۲	۶ - ۴) هنجار گریزی گویشی
۲۲	۷ - ۴) هنجار گریزی سبکی
۲۳	۸ - ۴) هنجار گریزی زمانی
۲۵	شعر چیست
۲۹	زبان‌شناسی اجتماعی
۳۵	پیشینه تحقیق
۳۵	۱. فمینیسم و ادبیات
۴۵	۲. زن و ادبیات
۵۰	۳. زن و زبان
۶۱	۴. تاریخ شعر زنان

فصل سوم: روش شناسی تحقیق

۸۱	
۸۲	روش انجام تحقیق
۸۳	روش و ابزار گردآوری اطلاعات
۸۳	روش تجزیه و تحلیل اطلاعات
۸۳	- هنجار گریزی زمانی، باستان گرایی یا واژگان قدیمی
۸۳	- هنجار گریزی واژگانی
۸۴	- واژگان تابو
۸۴	- واژگان زنانه
۸۴	- هنجارگریزی معنایی
۸۵	- استعاره
۸۶	- کنایه
۸۹	واژه شناسی اشعار پروین اعتصامی
۹۱	استعارات در اشعار پروین اعتصامی
۹۲	کنایات در اشعار پروین اعتصامی
۹۳	واژه شناسی اشعار فروغ فرخزاد
۹۵	استعارات در اشعار فروغ فرخزاد
۹۶	کنایات در اشعار فروغ فرخزاد
۹۸	واژه شناسی اشعار فاطمه راکعی
۹۹	استعارات در اشعار فاطمه راکعی
۱۰۱	کنایات در اشعار فاطمه راکعی

فصل چهارم: یافته های پژوهش

۱۰۷

۱۰۸

بررسی و تحلیل واژگانی شعر پروین

۱۱۰

بررسی و تحلیل معنایی شعر پروین

۱۳۲

بررسی و تحلیل واژگانی شعر فروغ

۱۳۶

بررسی و تحلیل معنایی شعر فروغ

۱۵۶

بررسی و تحلیل واژگانی شعر راکعی

۱۵۸

بررسی و تحلیل معنایی شعر راکعی

۱۷۳

فصل پنجم: نتیجه گیری

۱۷۴

تاثیر جنسیت بر حوزه ی واژگان

۱۷۶

تاثیر جنسیت بر حوزه ی معنا

۱۸۳

منابع

۱۸۴

منابع فارسی

۱۸۸

منابع انگلیسی

فهرست نمودار

<u>شماره صفحه</u>	<u>عنوان</u>
۱۵	نمودار ۱
۱۸	نمودار ۲

فهرست جداول

<u>شماره صفحه</u>	<u>عنوان</u>
۱۰۳	جدول شماره (۱)
۱۰۴	جدول شماره (۲)
۱۰۴	جدول شماره (۳)
۱۰۵	جدول شماره (۴)
۱۰۵	جدول شماره (۵)
۱۰۶	جدول شماره (۶)
	جدول شماره (۷)

اندیشه خدا بود

بعد انسان شد
و حالا زنی که میان خواب هایتان ایستاده
آخرین پاره هایش را
به شما خواهد گفت
هر آنچه شما هر آنچه مرا زیست
و شانه ی معجزات موهایم را فروخت
در ازای دشنه ای که در دست آدم بود

□□□

خورشید پا به ماه به درد رسید
و چشم خدایی کوچک
راه گشای چیستی این آبستنی
تو هنوز نرسته ای
و این زایمان دردناک
خود کشی پرندگان است که هیچ گاه نکوچیده اند

□□□

فرشته ای در این نزدیکی مرده است
که مرا به تو و انکار مرگ می رساند
و این دلچک
که زنان را در کشاله هایشان رقصیده است
متأسف نیست

برای سرهایی که به گردن انسان می افتد

□□□

همه چیز در شتاب است
برای جویدن و جویده شدن
و این نشانه ها
باید به زودی فرو افتد
به روی شانه های من.

«فاطمه مزبان پور»

فصل اول:

کلیات

مقدمه

آیا اصولاً زبان ادبی دارای جنسیت است و ما با چیزی به نام زبان مذکر و زبان مؤنث مواجه ایم؟ در مواجهه با این مسأله چند روایت گوناگون وجود دارد. برخی از نویسندگان و ادیبان مانند ناتالی ساروت^۱ به تقسیم بندی ادبیات زنانه و مردانه قائل نیستند. ادبیات، فقط ادبیات است و جنسیت نویسنده الزاماً در آن دخالت ندارد. وی در این باره می گوید: «ادبیات زنانه به معنی دقیق کلمه ی آن وجود ندارد. همان گونه که نمی توان از موسیقی زنانه یا فلسفه ی زنانه سخن گفت. به نظر من فقط ادبیات وجود دارد.» (ساروت، ۱۳۶۴). نویسندگان زیادی در این دیدگاه با ساروت شریک اند. به نظر ایشان ادبیات به مثابه یک هنر الزامات هنری خود را دارد و از عواملی بیرون از خود متأثر نیست. اما در مقابل این نظرات، دیدگاه دیگری نیز وجود دارد که ادبیات را تحت تأثیر مستقیم شرایط اجتماعی می داند و شرایط اجتماعی خالقان را در کیفیت و محتوای آثار پدید آمده مؤثر می داند. این عده از متفکران و نویسندگان بر این عقیده اند که ادبیات جز در سال های اخیر تنها در اختیار مردان بوده و به همین سبب دچار الزامات و ساختاری مردانه است. ادبیاتی که از سوی زنان به وجود می آید از آنجایی که این الزامات را رعایت نمی کند و یا می تواند رعایت نکند، متمایز از ادبیات مردان است و به عبارتی این ادبیات زنانه است. ناهید توسلی (نویسنده و روزنامه نگار) در این باره از مفهومی گم شده با نام زنانه نویسی می گوید: «ادبیات و هنر به دلیل حاکمیت جنس مرد در تیول مردان بوده است تابو بودن هستی زنانه عامل مقابله با ظهور آن در ادبیات معاصر است»^۲ وی عقیده دارد که زنانه نویسی الزاماً از سوی زنان اتفاق نمی افتد و نمی تواند هم از سوی زنان و هم از سوی مردانی اتفاق افتد که تفاوت های بین دو جنس را اجتماعی و نه زیست شناختی می دانند و به نوعی برابری بین دو جنس معتقدند: «زنانه نویسی» که اساساً ژانر بسیار متفاوتی از دیگر ژانرهای ادبی است، دقیقاً به وسیله زنان و حتی مردانی نوشته می شود که زن و مرد را دو موجود برابر و یگانه در خلقت و هستی می دانند که تفاوت هایشان تنها تفاوت های جنسی (زیست شناختی)^۳ است و نه جنسیتی^۴.

۳- رویکرد توصیفی نسبت به زبان زنان

^۱ Natali Saroot

^۲ www.persian-language.org - 1383/8/12

^۳ Sex

^۴ Gender

گرایش های زبان شناسی انتقادی و زبان شناسی اجتماعی اغلب با پیش فرض گرفتن این مسأله تفاوت های جنسی، نژادی، طبقاتی و... در شیوه ی استفاده از زبان گویندگان مؤثراند به بررسی این تفاوت ها در متون، گفتار و... می پردازند. این گرایش نظری بر این باور است که زبان تابع شرایط بیرونی خود است و زبان از سوی گروه های مختلف اجتماعی به شیوه ی متفاوتی به کار گرفته می شود. در نظر این متفکران زبان زنانه و مردانه از یکدیگر قابل تمایز هستند. (یعنی زنان و مردان به شیوه ی متفاوتی زبان را به کار می گیرند).

در این توصیف ها، با این پیش فرض که زبان باز نمای قواعد عام تر اجتماع است. زبان زنان را به شدت از موقعیت فروترشان در جامعه مردسالار متأثر می دانند و اغلب بر تفاوت های واژگانی و نحوی زبان زنان و مردان تأکید می شود، زنان واژه ها و صورت های نحوی ویژه ی خود را استفاده می کنند. این زبان شناسان برای گویش ویژه زنان و یا مردان اصطلاح زبان جنسیتی را به کار می گیرند. بنابراین تعریف زبان جنسیتی گونه خاصی از زبان است که یک جنس از آن استفاده می کند. زبان جنسیتی اصطلاحی است که نظریه پردازان فمینیستی از آن در حوزه زبان شناسی استفاده می کنند تا هویت متمایز زبانی زنان را توصیف کنند. آن ها می گویند هر دو جنس، نظام ها یا کدهای ساختاری ویژه خود را دارند که گاه یک زبان نامیده می شود.

زبان شناسان زیادی چون ترادگیل، پیتر، دبوراتن و لارنس ترسک پژوهش های تجربی مفصلی در این زمینه کرده اند. به عقیده ی لیکاف (۱۹۷۵) در صورت های مختلف ادات عنصر دستوری، معنی و مصداق خارجی ندارند و فقط موقعیت اجتماعی و رابطه ی گوینده و شنونده را بیان می کند. صورت های ادات زبان همان صورت های ضعیف و مؤدبانه تر ادات قوی ای هستند که مردان به کار می گیرند. زنان بیشتر از مردان از جمله های پرسشی و تأکیدی استفاده می کنند. در حالی که مردان اغلب از جمله های خبری استفاده می کنند. زنان اغلب جمله های خود را با کلماتی چون می دانید که؟، این طور نیست؟ و... شروع می کنند. فیشرمن (۱۹۷۷) این رفتار زنان را ناشی از عدم اعتماد به نفس زنان می داند.

البته فمینیست ها با این تحلیل مخالفند و ساخت زبان را ساختی مرد محور می دانند که زنان در آن احساس راحتی نمی کنند. به باور ایشان زنان در زبان اجازه کنترل ندارند و به جای آنکه زبان در خدمت ایشان باشد مایه رنج و نا امنی شان است.

در زبان مرد محور علاقه ها و تجربیات مردان معیار و ثبت شمرده می شود و واژگان یا کدهای مربوط به زنان منفی و خشتی محسوب می شوند و بار تحقیر آمیزی دارند کرامارا^۵ (۱۹۹۹). لیکاف^۶ (۱۹۷۳) با طرح نظریه ی «سلطه»، نابرابری در موقعیت و نقش های اجتماعی را موجب تفاوت در گونه های زبانی زنان و مردان می داند. وی معتقد است زنان از آن رو که در اجتماع جایگاه فروتری دارند، زبان نازل تری نیز بکار می گیرند. این نظریه مخالفت های زیادی را برانگیخت. طرح مسأله تسلط و مرد محوری زبان باعث طرح دیدگاه هایی انتقادی برای کشف جریان سلطه شد. مطالعات انتقادی گفتمان همگی بر این فرض بنیادی استوارند که جهان سلطه آمیز زبان به نفع گروه، جنس، طبقه و... خاصی است و گروه، طبقه، جنس و... مقابل را سرکوب می کند و با مطالعه انتقادی می توان دست به موشکافی زبان زد و جریان سلطه آن را آشکار کرد و احیاناً با آن مبارزه کرد. این رویکرد زبان رایج را به عنوان امری مردسالارانه تلقی می کند و به تبع جایگاه زنان را در بافتی زن ستیز، جایگاهی والا نمی داند.

۴- رویکرد تجویزی نسبت به زبان زنان

این رویکرد درست از جایی که رویکرد پیشین تمام کرده است، کار خود را آغاز می کند. رویکرد نخست کار خود را با این مسأله تمام می کند که زبان زنان از موقعیت فروتر اجتماعی شان، تأثیر پذیرفته است.

در رویکرد دوم، که اغلب توسط فمینیست های تندرو اتخاذ شده است، این فرض فقط نقطه ای برای شروع است، به نظر این دسته از نظریه پردازان، زبان در شکل کنونی اش نه فقط مردانه که مردسالار است و به طور منظم و قاعده مند به سرکوب زنانگی دست زده است و از این رو زنانگی در این امری سرکوب شده، فراموش شده و به حاشیه رانده شده است. این زبان نمی تواند چیزی را که سرکوب کرده و به حاشیه رانده بازنمایی کند (یعنی این زبان نمی تواند زنانگی را ابراز کند) زبان برای زنانه شدن باید آنچه را که این زبان به حاشیه رانده، به متن بیاورد و این چیزی نیست به جز روایت زنانگی، (تن زن). بر طبق این نظریه، یک نوشته نمی تواند زنانه باشد مگر اینکه با به رسمیت شناختن این موضوع (مذکر بودن زبان) برای نفی آن (ابراز زنانگی) آشکارا تلاش کند. هلن سیکسو، لوس ایریگاری و ژولیا کریستوا جزو این دسته از نظریه پردازان به شمار می روند. این نویسندگان که به شدت تحت تأثیر مکتب تحلیل روانی ژاک لاکان و نیز شالوده شکنی دریدا و اندیشمندان فرانسوی

⁵ Kramara

⁶ Lakoff

قرار دارند با در نظر گرفتن «زبان روان کاوی» سلسله مراتب جنسیتی آن را واژگون کردند و تفاوت زبان زنانه و مردانه را مورد ارزیابی مجدد قرار دادند.

هلن سیکسو در نوشته های خود نظیر «خنده مدوسا ۱۹۷۶» و «زن تازه تولد یافته ۱۹۷۵» می گوید که نوشته ای از این دست (زبان زنانه) تولید کند. وی بر این عقیده است که زبان زنانه تنها از طریق ابراز تجربه هایی می تواند خلق شود که در زبان مردانه نفی و انکار شده اند. به نظر سیکسو این تجربه روایت تن زنانه به عنوان محمل همه طرد و نفی ها است. مردان و زبان مردانه از طریق انکار تن زن روایتی تک جنسی از زبان ارائه می دهند.

از نظریه پردازان دیگر این دیدگاه می توان به لوس ایریگاری و ژولیا کریستوا اشاره کرد. به عقیده هر دو ایشان، زبان به گونه ای نظام یافته که وجود زنانه را نفی می کند. ایریگاری به شرایطی می نگرد که تحت آن وضع آن در قلمرو نمادین ممکن است دگرگون شود. در حالی که کریستوا توجه اش معطوف به تظاهرات ناخودآگاه عشق مادرانه است. وی ورود کودک به قلمرو زبان (گذر از مرحله پیشا ادیبی به مرحله زبانی) را به مثابه محرومیت از روابط پایدار مادر - فرزندی قلمداد می کند و انسان سخنگو خواه مرد یا زن را همراه با دریغ دردناک و در آرزوی بازگشت می بیند. وی مفهوم زنانگی را به مثابه فعالیت نشانه شناختی می داند که انسان ها (چه زن و چه مرد) در رهگذر تجربه فرایند خلاق به آن دسترسی دارند. در این مرحله انسان ها چه زن و چه مرد با بازگشت به مرحله پیشا ادیبی یا مرحله پیش از ورود به زبان با رهایی از اضطراب این جدایی به آرامشی دست می یابند، که به زعم کریستوا سرمنشأ خلاقیت نشانه شناختی است.

ایریگاری نیز بر این عقیده است که مردان زنانگی را تعریف کرده اند. این تعریف متأثر از تقسیم بندی دو وجهی حاکم بر اندیشه غربی و فرض دوگانگی های متضادی است که همیشه در مقابل همدیگر قرار می گیرند. ایریگاری با نقد تحلیل فروید از تضاد دو جنس و با تکیه بر شالوده شکنی دریدایی نشان می دهد که زن و مرد مانند دوگانگی های متضاد اساساً ضد هم نیستند زیرا نمی توان یکی را بدون ارجاع به دیگری تعریف کرد و معنای آن دو در نسبت و ارتباط با یکدیگر است. در واقع زن آنچه مرد نیست، نیست. زنان با مردان متفاوتند اما نقطه مقابل یکدیگر نیستند و تفاوت زیست شناختی به معنای تضاد مفهومی نیست. این دسته از نظرات، زبان زنانه را جز در حالتی انقلابی و عصیانگرانه باز نمی شناسند. چرا که زبان را در شکل کنونی اش، مردانه می دانند و چنین فرض می گیرند که اگر قرار باشد، زبان زنانه ای خلق شود، این زبان باید از قواعد و چارچوب زبان (منطق) مردانه خارج شود. زبان مردانه به این دلیل که به صورت منظم و پیوسته به سرکوب زنانگی دست زده، اصولاً امکانی برای بازنمایی زنانگی ندارد. بر طبق این نظریه زبان زنانه هیچ الزامی ندارد

که از قواعد منطقی^۷ رایج پیروی کند. چرا که این قواعد منطقی همه تک جنسی و مردانه اند. زبان زنانه باید از تن زن و روایت زن بودن شروع کند. این روایت الزاما مانند روایت مردانه منظم، منطقی و... نیست بلکه برعکس با معیارهای این زبان پریشان و غیر منطقی به نظر می آید. چرا که این روایت، نظم سابق را نفی می کند تا نظمی نو در اندازد. به نظر این دسته از نظریه پردازان این روایت فقط با نوعی خودآگاهی و تمایل به ابراز ناگفته ها ممکن است، چرا که زبان مردانه، چنان فراگیر و عام است که در چارچوب خود و در افق اندیشه ای که می گشاید، مجال یا امکان جز آن اندیشیدن را نمی دهد (البته این ویژگی کلی هر زبانی است و گویشوران هر زبانی در چارچوب مرزهای آن زبان قادر به اندیشیدن هستند).

آنچه که این نظریات به آن توجه اندکی می کنند و یا آسان از آن می گذرند این نکته است که، زبان فرایندی زنده و پویا است. زبان به اندازه خود زندگی، زنده و در جریان است و درست به علت همین زندگی و پویایی اش است که نمی تواند در جریان سلطه، یکی به طور ثابت غالب و دیگری مغلوب باشد. به عبارت دیگر اگر قرار است که زبان جریان سلطه ای را اعمال کند، این سلطه نمی تواند یکبار و برای همیشه اتفاق بیافتد، مانند قراردادی که یک بار بسته شده باشد و همیشه به آن عمل شود. زبان جریانی زنده و پویانده است که در خلال جریانات اجتماعی تحول می یابد. سلطه در زبان نمی تواند یکسویه به حیات خود ادامه دهد، بلکه همیشه در جریان آن مقاومت هایی نیز رخ می دهد. به عبارت دیگر زبان نیز مانند هر امر اجتماعی دیگری در عرصه ای از داد و ستد و کنش متقابل رخ می دهد و جریان سلطه باید بکوشد و می کوشد که خود را در نبردی هر روزه باز تولید کند و جریان تحت سلطه می کوشد که در این نبرد هر روزه از زیر بار این سلطه خود را رهایی بخشد و در مقابل آن مقاومت کند. به همین دلیل است که می توان گفت، زبان در شکل کنونی اش نیز دارای عناصر زنانه است. (فیاض، رهبری، پژوهش زنان ۱۳۸۵: ۳۹)

⁷ Logical

بنابراین:

در فصل اول: کلیات به مواردی از قبیل مقدمه، اهداف تحقیق، فرضیه ها، سوالات، روش تحقیق، و تعریف کلید واژه ها پرداخته شده است.

در فصل دوم: چارچوب نظری و پیشینه ی تحقیق که نظریات متفاوت و متنوعی پیرامون زبان و نقش شعری آن، زبان زنانه، شعر، ، زبان زنانه، فمینیسم و ادبیات، زن و ادبیات، زن و زبان و تاریخ شعر زنان گرد آوری و بررسی شده است.

در فصل سوم: روش شناسی تحقیق شامل: روش تحقیق، روش گرد آوری و ابزار جمع آوری اطلاعات، روش های نمونه گیری: در حوزه ی واژگان: واژگان قدیمی، واژگان تابو، واژگان زنانه، و واژگان و ترکیبات جدید و در حوزه ی معنا: استعارات و کنایات را استخراج کرده و جدول هایی رسم شده است.

در فصل چهارم: به توصیف، بررسی و تحلیل یافته هادر سطح واژگانی و معنایی اشعار شاعران با توجه به موارد استخراج شده و با در نظر گرفتن متغیر جنسیت پرداخته شده است.

فصل پنجم: به نتیجه گیری نهایی با توجه به داده ها و تحلیل های بدست آمده پرداخته شده است.

تعریف مسأله و بیان سؤال های اصلی تحقیق

با توجه به پژوهش های زبان شناختی پیرامون عوامل اجتماعی مؤثر بر زبان در زبان شناسی اجتماعی «جنسیت» به عنوان یک عامل مؤثر بر زبان مطرح می شود و پژوهش هایی هم در این زمینه در سطح زبان خودکار صورت گرفته است. اما تا کنون تأثیر عامل جنسیت بر زبان ادبی مورد پژوهش قرار نگرفته است. در این پژوهش سعی بر این است که به بررسی تأثیر عامل جنسیت بر زبان شعر زنان در دوره ی معاصر، از لحاظ واژگان و معنا پرداخته شود.

۱. جنسیت بر زبان شعر پروین اعتصامی و فروغ فرخزاد و فاطمه راکعی از نظر واژگان چه تأثیری دارد؟

۲. جنسیت بر زبان شعر پروین اعتصامی و فروغ فرخزاد و فاطمه راکعی از نظر معنا چه تأثیری دارد؟

فرضیه ها

۱. جنسیت بر زبان شعر پروین اعتصامی و فروغ فرخزاد و فاطمه راکعی از نظر واژگان تأثیر دارد.

۲. جنسیت بر زبان شعر پروین اعتصامی و فروغ فرخزاد و فاطمه راکعی از نظر معنا تأثیر دارد.

پیشینه تحقیق

پیش از این کتاب فرا دستی و فرودستی در زبان از خانم مریم پاک نهاد جیروتی (انتشارات گام نو، تهران) بررسی عامل جنسیت بر گونه ی گفتاری زنان و مردان و ادبیات مکتوب در دایره المعارف ها و فرهنگ ها مورد بررسی قرار گرفته است.

در کتاب زن و ادبیات (گزینش و ترجمه منیژه نجم عراقی، مرسله صالح پور، نسترن موسوی) مقالاتی را پیرامون نظریات زبان زنانه در آثار رمان نویسان خارجی (چون ویرجینا وولف، مارگریت دوراس...) جمع آوری و ترجمه کرده اند که بیشتر به بررسی عناصر زنانه در داستان نویسی پرداخته شده است. در کتاب زن و زبان (عبدالله غدامی ترجمه ی هدی عوده تبار) که از خلال بررسی داستان هزار و یک شب به برخی از نظریات فمینیستی پیرامون زبان زنان اشاره شده است.

و خانم روح انگیز کراچی در کتاب (فروغ فرخزاد و پروین اعتصامی) به جمع آوری و گردآوری مقالات و کتابشناسی این شاعران پرداخته و مقالاتی را که پیرامون زنانه بودن زبان فروغ و مردانه بودن شعر پروین مطرح می شود را گردآوری کرده است. و در همایش کارنامه ی صد سال شعر زنان ایران نیز مقالاتی پیرامون آن موضوع دیده شده است.

اهداف تحقیق

۱. تکیه بر تعیین کنندگی جنسیت به عنوان یک شاخص اجتماعی مؤثر زبان هنری و ادبی.
۲. روشن کردن تأثیر جنسیت به عنوان یک عامل ایجاد کننده ی تفاوت های زبانی.
۳. آماده کردن زمینه ی مطالعات اجتماعی پیرامون زبان شعر بر اساس جنسیت.

کاربردهای تحقیق

۱. آگاهی بخشی به جامعه ی شعری، بویژه جامعه شعری زنان نسبت به تأثیر عامل جنسیت بر زبان شعری و ادبی خود.
۲. ارائه شاخص هایی برای ارزیابی شعر زنان، براساس بررسی واژگانی و معنایی.